

# خبرنامه

۷۲۵۸ / ۹ / ۲۱

چریک‌های  
فدائی خلق  
ایران

از ...

باید در جریان مبارزه توده‌ها در هر  
شکل و سطحی که باشد قرار  
داشت و آنرا ارتقاء داد

د لیکلیک  
قلعه کتانی  
ناریا

پس  
مکان

پس و لکه و تندی و بیاب  
ای قتل و کشت و کشت  
ای و لکت و آت و کشت

سلاج  
توده ها

www.iran-archaeology.com

# اخبار و گزارشات

## گزارشی از راهپیمایی بیکاران

روز پنجشنبه ۵ آذر، بدنبال انقضای مدت تعیین شده از سوی "کانون فارغ التحصیلان بیکار" سراسر کشور - که در گرد هم آیی آنان در بابل تعیین شده بود - و بدعت قلمی کانون مستقل فارغ التحصیلان دانشگاهها و مدارس عالی، اتحادیه کارگران و فارغ التحصیلان مشهد، کانون فارغ التحصیلان آمل، شورای دبیلیمه های بیکار (تهران)، کانون فارغ التحصیلان قائم شهر، کانون دبیلیمه های تهران، کانون فارغ التحصیلان بیکار بابل، کانون مستقل فارغ التحصیلان بابل، کمیته موقت برای تشکیل کانون فارغ التحصیلان بیکار آبادان تظاهراتی در پاره ای از شهرها برگزار گردید.

قبلا، در گرد هم آیی دوم آذر ماه فارغ التحصیلان بیکار در بابل، بیکاران ضمن طرح و خواسته از مسئولین متحقق ساختن آنها را خواسته بودند اما چون در پایان مهلت تعیین شده، این خواسته ها بر آورده نشدند، روز پانزدهم در شهر های مذکور راهپیمایی بعنوان اعتراض به سیاستهای دولت برگزار گردید.

مدت مدیدی از راهپیمایی پیشین دبیلیمه های بیکار تهران نگذرد. روز ۹ مهر ماه گذشته بود که تظاهرات آنان با مقابله خشونت آمیز مزدوران رژیم (پاسداران) مواجه و به دستگیری چند تن از بیکاران منجر شد.

ارتجاع، همه جا به این نیروهای جوان، سرشار از انرژی و آماده برای کوشش بیگیر و خستگی ناپذیر در راه بنای ایران آزاد و رها از وابستگی، داغ "ضد انقلاب" و در شرایطی که هنوز بوی چرک و خون "اطاق تمشیت" رژیم خونخوار پیشین محو نگشته است، جسیتم و گریخته و بطور پراکنده خیر از ایذا و آزار جسمانی و شکنجه روحی دستگیرشدگان میرسد (از جمله دستگیرشدگان فوق) می رسد. مقابله توده های میهن ما با دشمنان خلق که هر روز در اشکال مختلف خود ظاهر میگردد سدی است در راه اجرای برنامه های شوم حاکمیت. حاکمیت کنونی برای پیشبرد مقاصد خود در حال حاضر عمدتاً بر تحمیل توده ها تکیه دارد و همه بلندگوها و مطبوعات معلوم الحال خود را وسیله اجرای این مقاصد پلید خود قرار داده است. ۱۹ مهر ماه را بیان آورید که در آنروز بیکاران تهران بعنوان اعتراض به نوشته روزنامه های دست نشانده حاکمیت - که بیکاران تظاهر کننده را اغتشاشگر خوانده بودند - دست به راهپیمایی دیگری زدند و ضمن آن آزادی یاران زندانی خود را خواستار شدند. اما تظاهرات آنان با صف چماقداران معلوم الحالی روبرو شد که با حمایت پاسداران، ایجاد درگیری نمودند و در نتیجه عده ای دیگر از دبیلیمه ها را زخمی و برخی را گرفتار زنجیر اسارت حاکمیت جدید ساختند.

۲۴ مهر ماه را بیان آورید: اجیرشدگان رژیم در آن روز به تظاهرات دبیلیمه های بیکار در شهر رشت حمله بردند و ضمن خرد و خمیر کردن بلندگوها و شکستن و پاره کردن پلاکاردها و پارچه هایی که خواسته های بحق مردم بر آنان نقش بسته بود، با چاقو عده ای را مجروح نمودند. این جوانان چه میخواستند که مورد تهاجم واقع شده بشیرمانه دشمن خلق و انقلاب معرفی شدند؟ آیا نیروهایی که در قطعنامه های خویش خواهان قطع وابستگی و مصادره سرمایه های امپریالیستی باشند، نیروهایی که خواستار افشا و الغاء کلیه قراردادهای اقتصادی، سیاسی، ... باشند امپریالیسم آمریکا باشند، نیروهایی که خواستار طرد عوامل سرسپرده رژیم منفور پیشین بعنوان کارگزاران و حامیان منافع امپریالیسم در ایران و مدافعان سیستمی که پنجه های خون آلود خود را سالیان دراز در حلقوم خلق ما فرو برده، شیره حیات او را می مکند باشند (از قطعنامه -

سومین گردهمایی فارغالتحصیلان بیکار (ضد انقلاب) ؟

"هر انسان با وجدان و آگاه و هر فرد متعهد و مسئول در مقابل خلق برای پاسخ باین سؤال تنها يك معیار دارد . فقط يك معیار تشخیص است که میتوان بوسیله آن انقلابی و ضد انقلابی را شناخت .

کوشش کردن در جهت خواسته های بحق مردم . هر کس در جهت خواسته های مردم عمل کند انقلابی و هر کس مانع وسد این راه شود ضد انقلابی است و تودمها خود بهتر از هر کس تشخیص خواهند داد آنچه کسانی انقلابی و چه کسانی ضد انقلابی اند . معیار دیگری وجود ندارد و هر کس جز این بگوید در عمل جز تقویت نقشه های ضد انقلاب و سرمایه داران مرتجع و گمراه کردن مردم کاری نمیکند ."

روز ۱۵ آذر ماه "جانماز آبکش" های متظا هر بدین و پاکی و انسانیت (با یورش وحشیانه به تظا هر کنندگان بیکار ، بخصوص با حمله به صف دختران پرده از هویت واقعی — "حزب اله" شان برداشتند و نشان دادند که چقدر به پاکی و انسانیت و ارزشهای والای انسانی ارج میگذارند .

در بابل ، چند لحظه ای پس از آغاز حرکت ، صف تظا هر کنندگان با عده ای که همان شعار "حزب فقط حزب الله ، . . ." را سر میدادند ، روبرو شدند . اینان به راهپیمایان حمله کردند و ضمن مذبذب ساختن آنان با مشت و لگد و . . . با قطعه چوبی که از يك پلاکارد شکسته شده به یغما برده بودند ، یکی از تظا هر کنندگان را به باد کتک گرفتند . سپس دوربین عکاسان حاضر در محل را شکستند . حمله این اوباشان با یورش تعدادی پاسدار ( در لباس شخصی ) به جمع تکمیل شد و صحنه بیشرمانه ای از يك عملیات وحشیانه به نمایش گذارده شد که در آن حدود ۵۰ اجیر شده برای يك هدف واحد ، با حالتی هیستریک ، از هر سو جمعیت ۱۰۰۰ نفری مقابل خود را مورد تعارض قرار داده بودند و آن هدف واحد این بود : خاموش کردن هر صدای حق طلبانه .

در قائم شهر بیش از ۲۰۰۰ نفر از دیپلمه های بیکار دختر و پسر که در بین آنان کارگران . نیز حضور داشتند ، با شعارهای : اتحاد ، اتحاد ، زحمتکشان اتحاد — نه سازش نه تسلیم نبرد با آمریکا — ویتنام گواهی است آمریکا تو خالی است . . . . . از جلوی

در جستجوی علت واقعی  
بیکاری باستیم تا بتوانیم در  
مورد آن موضع انقلابی اتخاذ  
کنیم

خانه میشاهنگی این شهر دست به راهپیمایی زدند. دقایقی پس از شروع حرکت، در جلوسوی فرمانداری، تعدادی از اوپاشان که اکثرا همان افراد سپاه پاسداران و جهاد سازندگی بودند در لباس شخصی، به جمعیت حمله ور شدند اما جواب مشت را با مشت دریافت کردند. با وجود همه شلوفی های بیکاران قطعنامه خود را که در آن تا ۵۸/۹/۲۹ به دولت مهلت داده شده است بود تا در مورد بیکاران اقدام مقتضی بعمل آورد، قرائت نمودند.

در بابلسر حدود ۲۰۰۰ نفر تظاهر کننده، ابتدا یکبار دانشگاه را دور زده سرود دانشجویان را خواندند سپس از یکی از خیابانهای شهر گذشته و در مسیر خود با حمایت زنجیری که از دست بدست هم دادن تشکیل داده بودند، از نفوذ " حزب الهی " های مهاجم بدون جمع جلوگیری بعمل آوردند. ولی وقتی به جلوی در دانشگاه رسیدند، زنجیر یاره شد و " حزب الهی " ها با چوبهای میخ دار و چاقو به جمعیت حمله کردند و گذشته از توهین و نثار دشنام به جمعیت، چندین مجروح بجای گذاشتند.

در آمل راهپیمایان که با محصلین الحاقی دبیرستانها - که برای حمایت از خواستهای برحق بیکاران بدانان پیوسته بودند، - رویهم جمعی ۳۰۰۰ نفری را تشکیل میدادند، از محل کانون فارغ التحصیلان بیکار ( هتل قدیم ) شروع به حرکت کردند. از جمعیت شمارهای زیر بگوش میرسید:

- ۱- تحریم اقتصادی تهاجم نظامی دیگر اثر ندارد ۲- زحمتکشان ایران نبرد با آمریکا
  - ۳- هفتاد هزار کشته صدها هزار زخمی دیگر نباید سازش ۴- صنایع وابسته بدست زحمتکشان ملی باید گردد ۵- اموال آمریکائی به هر نحو به هر شکل باید که ملی گردد ۶- اتحاد اتحاد زحمتکشات اتحاد علیه امپریالیسم ۷- مرگ بر کارتر و یاران او ۸- نه سازش نه تسلیم نبرد با آمریکا ۹- میجنگیم میجنگیم تا خون در رگ ماست امپریالیست خونخوار همیشه دشمن ماست ۱۰- بر خروش بر توان نبرد با آمریکا
  - ۱۱- مدارک سی آی ای در پیشگاه ملت افشا باید گردد ۱۲- خلق مبارز بباخیز در هم کوب قدرت آمریکا را ۱۳- جواب تهاجم آمریکا مسلسل توده ها ۱۴- سازش با آمریکا بر سر تسلیم شاه افشا باید گردد ۱۵- آمریکا آمریکا دشمن زحمتکشان آمریکا اسرائیل دشمنان خلق ما فلسطین غفار متحد خلق ما ۱۷- در صورت تهاجم آمریکا ایران را سراسر ویتنام میکنیم ۱۸- توطئه تجاوز خیانت این منطق آمریکا است ۱۹- ایران را گورستان آمریکا میکنیم ۲۰- مرگ بر آمریکا
- جمعیت با این شعارها - که با اندکی تفاوت در سایر شهرهای فوق الذکر نیز بگوش میرسید - از جلوی شهر بانی گذشته بسوی جاده نور در حرکت بودند که جمع ۴۰ تا ۵۰ نفری احیر - شدگان سر رسیدند و جمعیت را مورد حمله قرار دادند و با یرتاب سنگ بسوی تظاهر کنندگان هفت تن از آنان را مجروح ساختند. از اینرو جمعیت که اندکی نظم خود را از دست داده بود ابتدا بخود سرو سامانی داده، مجددا در خیابان " اسیه کلا " براه افتادند اما این بار با شعارهای زیر: ۱- قانون اساسی این تحفه خبرگان الفاء باید گردد ۲- قانون اساسی تحفه خبرگان دشمن زحمتکشان ۳- اتحاد مبارزه بیروزی با وجود محدودیت دامنه شعارها، در هیچیک از شهرهای فوق ارتجاع این تظاهرات را تحمل نکرد.

### خلق مبارز ایران

همانطور که دیدیم این نخستین بار نیست که خواستاران کمترین حقوق اجتماعی، با سرب و چماق و انواع توهینهای بیشمارانه، مورد استقبال جیره خواران امپریالیسم و ارتجاع واقع

میشوند . باید بخود آمد ، باید از تجربیات گذشته درس آموخت و با جمع بندی آنان ، به غنای مبارزاتی افزود و با آمادگی بیشتری که حاصل ارتقا سطح مبارزه است به مقابله دشمن خلق شتافت تمام زحمات بیدریغ و ایثار پاکبازانه ای که با هر شکلی از مبارزه ، در راه افشای ماهیت ارتجاع میآید ، در صورتیکه در یک دور مسدود در جا زند ، در صورتیکه اجازه داده شود هر حرکت حق طلبانه ما وحشیانه سرکوب شود و نه تنها چماق سرکوب فرق ما را بشکافد ، بلکه پیروزی سیاسی بدست آمده نیز ( در صورتیکه رهبری حرکت با عناصر واقعا انقلابی باشد ) پس از اندک مدتی زیر بار انبوه تبلیغات ضد مردمی پنهان گشته تحت الشعاع مانورهای فریبکارانه ارتجاع قرار گیرد ، راه بجایی نخواهند برد و نتایج مطلوب را ببار نخواهند آورد . باید با سازماندهی مناسب تمام تلاشهای امپریالیسم و مزدوران داخلی آنرا خنثی و منفعل سازیم . اگر چنین نشود ، یعنی اگر مبارزه ما بر علیه امپریالیسم و ارتجاع - ماریپیچی تکاملی را نپیماید ، آنگاه تمام انرژی ما در یک رشته خرده کاری تحلیل خواهد رفت و آنچه در آن متشکل میشویم ، سازمانهایی خواهند بود با اساسنامه های عریض و طویل ، حرکات ما همراه خواهد بود با قطعنامه هایی که محتوای کما بیش ثابتی را بطور مکرر بیان میکنند و بعلت تکراری بودن ، حتی محتوای افشاگرانه خود را نیز از دست داده اند و شعارهای انقلابی ای که در آنان گنجانده شده اند ، دیگر برندگی خاص خود را نخواهند داشت . " مسئله این نیست که تظاهر کنندگان نیز حتما چماق بردارند و به مقابله با چماق بدستان برخیزند ، بلکه تاکید روی این مسئله است که جواب چماق و اثر آنرا با شعار انقلابی نمیتوان خنثی کرد . چرا که ضد انقلاب در مقابل توقیر دارد و در حال عمل کردن است . او عمل میکند و آنوقت تو با نصیحت و اندرز خواهی در او تاثیر بگذاری . ( توجه خوانندگان را به این امر جلب میکنیم که در یکی از همین تظاهرات ، یکی از گردانندگان اصلی جریان ، جمعیتی را که مورد هجوم تعدادی اوباش قرار گرفته بودند ، دعوت به سکوت و تحمل همه لطمات و توهینهای این اجیر شدگان سرمایه وابسته مینمود تا صدمه دیدن و مورد اهانت قرار گرفتن ، " معصومیت " جمع را به اثبات رساند ( ۱ ) . باز هم این مثال را کمی وسعت ببخشید و به عرصه فراختر آن بکشانید . صرف داد و بیداد گردن و اظهار ناراحتی از بازگشت دیکتاتوری ، و اعلام اینکه صدای چکه فاشیسم را میشنویم نمیتوان قضیه را فیصله دهد . مسئله اینست که بتوانیم عملا و بطور مادی این کوششها را خنثی کنیم باید توجه داشت اشکال مبارزه و مقابله با ارتجاع بخودی خود و " فی نفسه " تعیین نمیشوند بلکه این اشکال در ارتباطی دیاکتیکی با شیوهها و تجربیات حریف مقابل تعیین میشوند و ما میدانیم و تجربیات تاریخی بسیار این را نشان داده است که امپریالیستها همواره در صدد بسط سلطه خودند و در تعقیب این هدف از بکارگیری هیچ وسیله و ارتکاب هیچ جنایتی خودداری نمیکند بهمین جهت ما باید " چهار دست و پا نعل شده باشیم "

دوستان و رفقا

" گناه " تظاهر کنندگان چیست ؟ گناهشان اینست که چاره مشکل خود را از دولت حامی سرمایه وابسته میخواهند . آنان حقوق مسلم خود را از حاکمیتی تقاضا میکنند که بارها و بارها حمایت خود از منافع امپریالیسم و سرمایه داری وابسته را با ثبات رسانده است . آنان برای دستیابی به این حقوق به حل مسئله از مجاری " قانونی " متوسل میشوند غافل از اینکه دولت سرمایه داری بطور اعم و سرمایه داری وابسته بطور اخص کاملا " از حل مسئله بیکاری عاجز است . و ما در گذشته مقابله حاکمیت را با هر گونه حرکات حق طلبانه مربوطه این امر بکرات دیده ایم و حتی در گذشته ای نه چندان دور شاهد بودیم که به توافق " قانونی " خویش با خلق چقدر احترام میگذازد ( جریان بندرانزلی ) . ( بقیه در ص ۸ )

در این باره ...  
 و ...  
 ...

گزارشی از بهشهر :

روزدوشنبه ۴ آذر ماه در دبیرستان شرافت بهشهر واقعه‌ای اتفاق افتاد که علیرغم کهنگی اش بار — بار دیگر ترس ارتجاع را از آگاهی و بیداری دانش‌آموزان بوضوح نشان می‌دهد . جریان واقعه بدین قرار بود :

دانش‌آموزان پس از ورود به مدرسه با کمال تعجب مشاهده نمودند که سالن مدرسه که آنها آنرا محلی برای برخورد آرا و عقاید و وسیله‌ای برای رشد فکری و سیاسی جهت دستیابی به وحدتی اصولی برای پیشبرد امر مبارزاتی توده‌ها . نموده بودند ، مورد یورش رئیس دبیرستان و ایادیش واقع شد . دانش‌آموزان که اختناق و خفقان رژیم منفور پهلوی را تجربه کرده بودند و آنها یکی از عوامل مهم بقا دولت ضد خلقی میدانستند ، تصمیم گرفتند ثابت کنند که ، مبارزه به آنان درسها آموخته ، که آنان دیگر بهیچوجه حاضر نیستند نسبت به مسائل جامعه — شان بی تفاوت بمانند ، که بخوبی دریافتند باید با یورش سازمان یافته ارتجاع در هر شکل و لباسی مبارزه کرد زیرا ارتجاع فقط در رابطه با حرکت و اعتراض است که نمیتواند سلطه خویش را اعمال کند اگر امروز به این حرکت غیر دموکراتیک اعتراض نکنند چه بسا که فردا با فراغت خاطر میدان را خالی دیده و به تکرار کارهای گذشته بپردازند ، ( اخراج دانش‌آموزان به سبب خواندن انشاهای افشاگرانه ، اخراج معلمین راستین به سبب انجام رسالتشان . . . . ) بدینجهت دانش‌آموزان تصمیم گرفتند تا زمانیکه رئیس دبیرستان جواب درستی به آنان ندهد از ورود به کلاس خوداری کرده و به تحصن بنشینند .

در این هنگام رئیس دبیرستان که با برخورد جدی دانش‌آموزان مواجه شد با عده‌ای از دانش — آموزان " معلوم الحال " به میان جمع رفت . دانش‌آموزان " معلوم الحال " که در رابطه مستقیم با کمیته شهر هستند و توسط آنان تحقیق شده‌اند طبق معمول به دانش‌آموزان آگاه حمله ور شده و با مشت و لگد و لنگه کفش و گاز گرفتن و روسری کشیدن به زعم خود قصد جلوگیری از رشد آگاهی را داشتند . چه فکر بوج و عبثی ، هیچ نیروی سرکوبگری قادر به جلوگیری از رشد توده‌ها نیست ، نه نهادهای ضد خلقی تطهیر شده توسط حاکمین تازه بدوران رسیده ، نه ارگانهای ضد خلقی تازه ایجاد شده و . . .

بعد از مدتی رئیس دبیرستان از یکی از دبیران خواست که با دانش‌آموزان صحبت کرده و قضیه را بررسی نماید . در اینجا نیز افراد معلوم الحال ، نظم را بهم ریختند . دانش‌آموزان پس از مشاهده این وضع در حالیکه دستهایشان را به منظور اتحاد هر چه فشرده تر بهم زنجیر کرده بودند و دبیر خویش را نیز در وسط داشتند ، از کلاس ، که در آنجا صحبت میکردند خارج شدند اما افراد معلوم الحال مجددا حمله نمودند و دانش‌آموزان و دبیر با هم مورد یورش آنان قرار گرفتند .

# درود به سازگردان واقعی صید بهرنگی

بعلاوه اینان طبق معمول سعی کردند با پخش اعلامیه و تحریف حقایق، دانش آموزان را "ضد انقلابی" معرفی کنند لیکن دانش آموزان با هشیاری توانستند ثابت کنند که هدف آنان از تحصن نجات و آزادی از بند و اعاده حیثیت از دبیرانشان میباشد.

روز بعد رئیس فرهنگ، با این خیال که دانش آموزان از خواسته های بحق خود چشم میپوشند در دبیرستان حضور یافت و طی سخنانی آنان را تشویق به کلاس رفتن نمود و مثال زد که بله در فلان مدرسه بعد از سخنرانی من دانش آموزان به کلاس رفتند و . . . .

ولی با پافشاری دانش آموزان حربه فریب رئیس فرهنگ کاری نشد. در حدود یکربع بمسد رئیس فرهنگ خواستار صحبت با دانش آموزان متحصن شد و گفت اگر خودتان نمیآئید، نماینده هایتان را بفرستید. ولی دانش آموزان به هیچکدام از این حرفها گوش ندادند و گفتند در صورتی حاضر به صحبت کردن و کلاس رفتن میباشند که از دبیران آنها اعاده حیثیت شود و دبیران آنها نیز در کلاس حضور داشته باشند.

دانش آموزان بعد از ۴ روز تحصن (از تاریخ ۵۸/۹/۴) با صدور قطعنامه ای به تحصن خود خاتمه دادند. مضمون قطعنامه چنین بود: ۱- فعالیت سیاسی و بحث در مدارس آزاد باید گردد. ۲- از دبیران اعاده حیثیت باید گردد و آزادی عقیده و بیان در دبیرستان باید محترم شناخته شوند.

بعد از اتمام تحصن، رئیس فرهنگ با سوء استفاده از احساسات مذهبی مردم در روزهای عاشورا در امامزاده حسین، شروع به دروغپردازی در مورد این جریانات نمود. پس از او رمضان موسی زاده که یکی از اعضای گروه تحقیق است و یک نمونه از خوش خد متبیهای او را در خبرنامه شماره ۵ آوردیم قصد سخنرانی داشت که دانش آموزان با همکاری مردم از اینکار او جلوگیری بعمل آوردند.

روز سه شنبه ۵۸/۹/۱۳ دبیران متعرض بهمراه دانش آموزان به اداره فرهنگ رفتند و در آنجا دانش آموزان خواستار اعاده حیثیت از دبیرانشان شدند و دبیران نیز به دفاع از خود پرداختند رئیس فرهنگ گفت: من بوسیله اعلامیه ای تمام مطالب منتشره توسط دانش آموزان غیر متحصن را تکذیب میکنم و بدینوسیله از دبیران اعاده حیثیت مینمایم. ولی دانش آموزان و دبیران گفتند تا اینکار به مرحله عمل در نیاید همچنان از حضور در کلاسها خودداری خواهند کرد.

+++++ دنباله خبرها +++++

آمل

عده ای از دهقانان رانده شده از روستا، زمینهای حاشیه شهر را که در اختیار عده ای از زمین خواران و نزولخواران بود بنفع خود مصادره کردند. زمینهای واقع در قرق، شهریانو محله، اسپه کلا، و قسمتی از زمینهای مجاور دبستان غروی، (واقع در جاده قدیم آمل-بابل) و زمینهای مجاور قجر محله در این حرکت مصادره گشتند. هنگام تقسیم زمینهای مجاور دبستان غروی پاسداران دخالت کرده چند نفر را دستگیر و زندانی و سایرین را متفرق کردند. در تقسیم زمینهای مجاور "قجر محله" درگیری دهقانان و زمینخوار بدرازا کشید و زمینخوار برای حل قضیه بنفع خود به یکی از ملاهای صاحب نفوذ پناه برد. در قسمت "قرق" روستائیان بلافاصله پس از تصرف آجر، سنگ، آهک و سایر مصالح ساختمانی را به درون زمینها حمل کردند تا در آن برای خود خانه بسازند. در قسمتهای دیگر زمین تقسیم گشته و خوشبختانه هنوز اتفاق سوئی روی نداده است.



بابل

در تاریخ ۱۳/۹/۵۸، اعضای "اتحادیه زمینداران بابل" (!) در طی جلسه ای مقرر داشتند هر يك از زمینداران مبلغ ۵/۰۰۰ تومان پرداخت نمایند تا بوسیله آن اقدامات لازم برای غصب زمینهایی که اخیراً توسط دهقانان مصادره شده بود بعمل آید. سپس به پیشنهاد یکی از زمینداران بزرگ قرار شد این مبلغ به ۱۰/۰۰۰ تومان افزایش یابد تا مبلغ يك میلیون تومان از کل اعضا که تعدادشان ۱۰۰ نفر است جمع گردد. از هر يك از زمینداران خواسته شد ایادی و مزدوران خود را معرفی کنند تا اتحادیه آنان را سازماندهی کرده برای بیرون راندن دهقانان از زمینهای مصادره شده بکارگیرد. حق العمل این اجیرشدگان از محل وجوه جمع آوری شده فوق پرداخت خواهد شد. چند ماه پیش نیز کارفرمایان در "سندیکی کارفرمایان" متشکل شدند تا اقدامات خود را در استثمار هر چه بیشتر کارگران هماهنگ کنند.

آری، در شرایطی که دولت انسجام خود را از دست میدهد و قادر به حفظ منافع طبقه حاکمه نیست دستجاتی از طبقه حاکمه خود را سا با سازماندهی جداگانه و اختصاصی در حفظ منافع خود میکوشند.

در همین زمینه، در گرد همآیی روز سه شنبه ۱۳/۹/۵۸ در استانداری مازندران، رئیس "دادگاه انقلاب" (طباطبائی) و استاندار برای زمینداران سخنرانی کردند. استاندار ضمن سخنرانی خود گفت که از بالا دستور دارد به شدیدترین وجهی متصرفین زمینهای آنها را سرکوب کند.

بابلسر:  
x-x-x-x-x-x

روز پنجشنبه ۱۵/۹/۵۸ زمینداران مازندران در "کارخانه کوشا" واقع در بابلسر (متعلق به یکی از زمینداران بزرگ بابل و شرکای او) جلسه ای تشکیل دادند. در این جلسه قرار شد اتحادیه های زمینداران مازندران، گرگان، و گنبد باهم اتحادیه ای مستقل تشکیل دهند تا از تشکیلات بهتری برخوردار باشند. در دنباله همین اقدامات، روز جمعه ۱۶/۹/۵۸ زمینداران در خانه يك سرهنگ در ساری اجتماع کردند تا آئین نامه و اساسنامه مربوط به يك اتحادیه را تدوین کنند. آنان قصد دارند پس از تدوین آن علناً اعلام موجودیت نمایند.

زمین از آن کسی است  
که روی آن کار میکند

در حاشیه :

از سوی دادستانی مرکز اطلاعیه‌ای صادر شد که این اطلاعیه روز شنبه

۵۸/۹/۱۷ از رادیو - تلویزیون پخش شد . در این اطلاعیه آمده است که زمینهای متصرفی دهقانان ، غصبی اند و باید به صاحبانشان بازگردانده شود .

\*\*\*\*\*

بابل - ۵۸/۹/۱۵

چند روز پیش اعلامیه ای در سطح شهر پخش و در آن از مردم خواسته شد که سالگرد درگذشت "روحانی مبارز" ( ۱۱ ) شیخ جلال ، علامه حائری را گرامی بدارند . قاضی شیخ جلال ، که چهره اش برای اکثر مردم بابل بخصوص مسنترها شناخته شده است ، از مداحان و سرسپردگان رژیم منفور پهلوی بود . مردم خوب بیاد دارند . که بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۳۲ ، همین شیخ جلال ، در چهار راه شهدا ، پیشاپیش جمعی از اوباشان و ولگردان که بهیچمانه خود را نمایندگان مردم نمیخواندند و طوسی تظاهراتی یشتیانی خود را از سنگ زنجیری امیرالایسم ، شاه را اعلام میداشتند ، دایره زنگی بدست ، کمر میچنانند ) ارتجاع و ایادیش از یکسو تظاهرات و راهپیماییهای ضد امیرالایستی نیروهای مفرقی را بهم میزنند و از سوی دیگر یاد نوکران شناخته شده امیرالایسم و ارتجاع ( مانند کاشانی و همین شخص فوق الذکر ) را گرامی میدارند .

\*\*\*\*\*

( بقیه از صفحه ۴ )

ارگانهای سرکوب همه جا با این جوانان پر شور ، جوانانی که جز کار ، این طبیعی ترین حقوق انسانی در خواست دیگری نداشتند ، چنین برخوردی داشتند ، بمنوان مثال در محمود آباد که تظاهرات روز ۱۵ آذر در آنجا به درگیری راهپیمایان با مهاجمین منجر شد . ( چند تن از شرکت کنندگان در راهپیمایی را پس از خاتمه راهپیمایی ، با حمله به خانه هایشان دستگیر نمودند زیرا آنها با حمله - اوباشان مقابله کرده بودند ) . و این تنها هراس از توده ها بود که علیرغم میل ارتجاع ویرا واداپسه رها ساختن دستگیر شدگان نمود .

رفقا و دوستان ، تا زمانیکه حاکمیت سرمایه داری وابسته برقرار است نه مسئله بیکاری ، و نه هیچکاز مسائل توده ها قابل حل نمیشد ، تنها با لغو مناسبات امیرالایستی و استقرار حکومت خلقی برهبری طبقه کارگر است که تمام معضلات اجتماعی و تمام محرومیتهای تاریخی توده ها قابل حل است . شما روشنفکران آگاه تنها موقعی میتوانید به حل مسائل خود امیدوار باشید که توده های ما در مبارزه ضد امیرالایستی خود پیروز شوند ، ولی باید در مبارزات ضد امیرالایستی توده ها شرکت فعال داشت و توده ها را در نبرد رهایی بخششان علیه امیرالایسم یاری داد . پس پیش بسوی سازماندهی مسلح توده ها .

\*\*\*\*\*

در حاشیه راهپیمایی بیکاران

بقرار اطلاع رسیده در جریان وقایع بابل سر نیز ۱۱ نفر دستگیر و صبح روز بعد آزاد شدند . در فریدونکنار دکان ۳ برادر را به اتهام شرکت در راهپیمایی بستند .

\*\*\*\*\*  
هم میهنان عزیز ! چریکهای فدائی خلق ایران برای پیشبرد امر مبارزه شدیدا به کمک مالی شما نیازمندند . این کمکها را بوسایل مقتضی و از طریق مطمئنی که خود میشناسید در اختیار ما قرار دهید  
\*\*\*\*\*